



Received:
27 September 2023

Revised:
26 February 2024

Accepted:
16 April 2024

Published:
21 December 2024

P.P: 133-158

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



The mediating role of shame in the relationship between self-concept and marital conflicts in married people

Najmeh Gholami¹ | Maryam Salehzadeh² | Alireza Bakhshayesh³ | Marzieh Karimian⁴

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.69.5.0

Abstract

The present study was conducted with the aim of determining the mediating role of shame in the relationship between self-concept and marital conflicts in married people. The research method was descriptive and correlational and structural equations, and the statistical population included married men and women in Isfahan city. 320 people (204 women and 116 men) were selected using the available method and were asked to self-conscious affect questionnaires (Tangini et al., 2000), Beck self-concept questionnaire (Beck and Steer, 1978) and marital conflicts questionnaire (Thanai Zaker and Barati, 1379) answered. The data was analyzed by correlation method and structural equation modeling. The findings showed that there is a significant relationship between shame and marital conflicts and self-concept dimensions ($p < 0.05$), so that there is an inverse relationship between shame and self-concept, a direct relationship between shame and marital conflicts, and a direct relationship between self-concept and marital conflicts. There is a reverse. Also, the feeling of shame has a mediating role in the relationship between self-concept and marital conflicts ($p < 0.01$). The results of this research indicate the relationship between the cognitive dimension (self-concept) and the emotional dimension (unhealthy shame) of the personality of women and men with the amount of marital conflicts in them. It can be of interest to researchers and family therapists.

Keywords: shame; Self-concept; marital conflicts; married people.

1. Master's degree, General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Yazd, Iran.
2. Corresponding Author: Assistant Professor, General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. m.salehzadeh@yazd.ac.ir
3. Associate Professor, General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.
4. Master's degree, General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Yazd, Iran.

Cite this Paper: Gholami'N & Salehzadeh' M, Bakhshayesh'A, Karimian'M.(2024). The mediating role of shame in the relationship between self-concept and marital conflicts in married people. The Women and Families Cultural-Educational, 19(69), 133–158.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۱۵۸-۱۳۳

شاپا چاپی: ۴۶۴۵-۴۹۵۵

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



نقش واسطه‌ای شرم ناسالم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی در افراد متأهل

نجمه غلامی^۱ | مریم صالح‌زاده^۲ | علیرضا بخشایش^۳ | مرضیه کریمیان^۴

چکیده

نارضایتی زناشویی با اختلال در سلامت جسمی و روانی یک عامل خطر برای طلاق محسوب می‌شود لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای شرم ناسالم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی در افراد متأهل انجام شد. روش پژوهش، توصیفی - همبستگی توصیفی و از نوع همبستگی و معادلات ساختاری و جامعه آماری شامل زنان و مردان متأهل شهر اصفهان بود. ۳۲۰ نفر (۲۰۴ زن و ۱۱۶ مرد) با روش تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای با روش در دسترس (باعرض پوزش بصورت سهوی عبارت تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای در اینجا آورده شده بود. در کل پایان نامه روش در دسترس عنوان شده است) انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های عاطفه خودآگاه (TOSCA-2) (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۰)، پرسشنامه تصور از خود بک (BSCT) (بک و استیر، ۱۹۷۸) و پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) (ثنائی ذاکر و براتی، ۱۳۷۹) پاسخ دادند. داده‌ها با روش همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری، تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد بین احساس شرم و تعارضات زناشویی و ابعاد خودپنداره رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/05$) به طوری که بین شرم و خودپنداره، رابطه معکوس، بین شرم و تعارضات زناشویی، رابطه مستقیم و بین خودپنداره و تعارضات زناشویی، رابطه معکوس وجود دارد. همچنین احساس شرم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی، نقش واسطه‌ای دارد ($p < 0/01$). نتایج این پژوهش، بیانگر رابطه بعد شناختی (خودپنداره) و بعد هیجانی (شرم ناسالم) شخصیت زنان و مردان با میزان تعارضات زناشویی در آنان است که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران و درمانگران حوزه خانواده قرار گیرد. **کلیدواژه‌ها:** شرم؛ خودپنداره؛ تعارضات زناشویی؛ افراد متأهل.

۱- کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، یزد، ایران.

۲- نویسنده مسئول: استادیار، روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

m.salehzadeh@yazd.ac.ir

۳- دانشیار، روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۴- کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، یزد، ایران.

استناد: غلامی، نجمه؛ صالح‌زاده، مریم؛ بخشایش، حسن؛ کریمیان، مرضیه. (۱۴۰۳). نقش واسطه‌ای شرم ناسالم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی در افراد متأهل؛ فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۹(۶۹)، ۱۵۸-۱۳۳.

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.69.5.0

© نویسنندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج بخش مهمی از ساختار اجتماعی زندگی اکثر مردم است. خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که سلامت جامعه در گرو آن است. یکی از شاخصه‌های مهم سلامت خانواده، رضایت زناشویی زوجین است. رضایت زناشویی ساختاری است که افکار، احساسات و رفتارهای مربوط به رابطه فرد با شریک زندگی خود را پوشش می‌دهد (دوبرولسکا و همکاران^۱، ۲۰۲۰). (جملات برگرفته از منابع جدید جایگزین منابع قدیمی شدند). عواملی مانند وضعیت تحصیلی، نوع ازدواج، تعداد فرزندان، اختلاف در زمینه اجتماعی، ناسازگاری جنسی، اختلاف علاقه، ازدواج چندهمسری، مشکلات سلامتی و تعارض بر سر نقش‌های جنسیتی به عنوان عوامل اساسی تعیین‌کننده رضایت زناشویی زوجین شناخته می‌شود (بیل^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). در واقع رضایت زناشویی متغیری است که تحت تاثیر عوامل متعدد فردی و بین فردی و زمینه‌ای قرار می‌گیرد.

در مقابل، عدم رضایت زناشویی باعث ایجاد تعارضات و تنش‌هایی در روابط زوجین می‌شود. تعارضات زناشویی^۳ شامل احساسات منفی مانند احساس تنش، رنجش و تحریک در رابطه زناشویی است. (بیردیت و همکاران^۴، ۲۰۱۷) که تحت تاثیر عوامل متنوعی از جمله ویژگی‌های شخصیتی، نگرش، عقاید و تفاوت‌های جنسیتی زوجین در روابط قرار دارند. (هر دو داور محترم توصیه به کوتاه نمودن این بخش داشتند. با توجه به الگوبرداری از آخرین مقالات منتشر شده مجله فوق، از جمله مقاله مدل علی رابطه حمایت اجتماعی و و مقاله نقش میانجی انعطاف‌پذیری خانواده ... شماره‌های ۶۳ و ۶۴ و با توجه به نزدیک بودن تعداد صفحات مقاله حاضر با مقالات مذکور، سعی کردم مقدمه و توضیح متغیرها به میزان مقدمه مورد تایید داوران محترم در مقالات منتشر شده نزدیک باشد. علی‌ا حال اگر توضیحات مرحله به مرحله ای متغیرها، زائد تلقی می‌شود به تشخیص داوران محترم قابل حذف شدن می‌باشند. با توجه به حذف جملات برگرفته از منابع قدیمی و استفاده از منابع جدیدتر کمی محتوای مقاله فعلی با مقاله داوری شده متفاوت شده است) از ویژگی‌های شخصی می‌توان برای پیش‌بینی رفتارهای فرد در موقعیت‌های مختلف زندگی از جمله

1. Dobrowolska, M.

2. Bayle, A. T.

3. Marital Conflict

4. Birditt, K. S.

موقعیت‌های زندگی زناشویی استفاده کرد (سیاح میری و همکاران، ۲۰۲۰). ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای رفتاری، تفکر و احساسات فرد را مشخص می‌کند (هوپ و همکاران، ۲۰۱۸).

از آنجا که هر یک از همسران با شخصیت مستقل خود وارد رابطه زوجی می‌شود، خودپنداره^۱ به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی، نقش قابل توجهی در تعارضات زناشویی دارد. خودپنداره به عنوان «ادراک شخص از خودش» تعریف شده است که از طریق تجربه با محیط و درک فرد از تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و تحت تأثیر ارزیابی‌های قابل توجه دیگران، تقویت کننده‌ها و انتسابات مربوط به رفتار خود فرد است (مک آرتور^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). عبارتی دیگر، خودپنداره یعنی بازنمایی ذهنی افراد از خود که می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از باورهای شخصی و ارزیابی‌های شخصی مربوط به جنبه‌های خاصی از خود باشد (لودی-اسمیت و دمری^۳، ۲۰۱۸).

خودپنداره دربرگیرنده عزت نفس، اعتماد به نفس، توانایی‌ها، شخصیت و همچنین هویت شخصی فرد است (آزواردی^۴، ۲۰۲۰). ادراک از خود می‌تواند ابعاد شناختی و رفتاری و اجتماعی را در هر فرد قویا تحت تأثیر قرار دهد (لوئیس، ۱۹۷۱). رابطه بین خودپنداره و رضایت زناشویی در بعضی پژوهش‌ها مانند باقری نیا (۱۳۹۶)، همایی و همکاران (۲۰۱۶) و ساهین و همکاران (۲۰۰۹) مورد تایید قرار گرفته است. در واقع افرادی که احساس خوبی از خود دارند به آسانی می‌توانند تعارضات زناشویی را پشت سر گذاشته، در مقابل فشارهای منفی ایستادگی کنند و از زندگی لذت ببرند. (تورس^۵ و همکاران، ۲۰۲۱؛ شهابی و همکاران، ۱۴۰۰؛ پارایس^۶ و همکاران، ۲۰۱۹؛ مک اینتایر^۷ و همکاران، ۲۰۱۷) (بله. این مقالات رابطه دو متغیر بالا را بررسی کرده‌اند).

نقش بعضی از ابعاد خودپنداره به ویژه خودپنداره جنسی در رضایت زناشویی و کاهش تعارضات زناشویی نیز در بعضی پژوهش‌ها از جمله شاه حسینی و همکاران (۱۳۹۶) تایید شده است. (خودپنداره بعد شناختی شخصیت و شرم بعد هیجانی شخصیت است. بعد از پرداختن به خودپنداره، به بعد هیجانی شخصیت و به طور خاص شرم، پرداخته شد. به همین دلیل در شروع این

1. Self-concept
2. McArthur, G. M
3. Lodi-Smith, J., & DeMarree, K. G.
4. Azwardi, A.
5. Torres
6. Parise, M
7. McIntyre, K. P.

پاراگراف، از ویژگی‌های شخصیتی شروع کردم تا به شرم برسم) از طرفی، ویژگی‌های شخصیتی نیز، نقش مهمی در نحوه تنظیم هیجانات افراد و مشکلات ناشی از بدتنظیمی هیجانی دارند (فریجد، ۱۹۸۶؛ ایزارد، ۱۹۹۱).

در کنار ابعاد شناختی شخصیت، ابعاد هیجانی به ویژه هیجان‌های خودآگاه نیز از متغیرهای مهمی هستند که می‌توانند روابط بین فردی و به ویژه روابط زوجی را تحت تاثیر قرار دهند. هیجانهای خودآگاه هیجانهایی هستند که «خود» در آنها نقش محوری دارد و همراه با خود ارزشیابی هستند (اپستین و فالکورین^۱، ۲۰۱۱) و به نوعی متأثر از خودپنداره فرد هستند. شرم^۲ بعنوان یکی از مهم‌ترین هیجانات خودآگاه طی دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. شرم سالم (نوعی احساس گناه مرتبط یک اقدام اشتباه که فرد به دلیل رفتار نامناسب خود شرم‌منده است نه به خاطر کلیت وجود و شخصیت خود) کارکردی تکاملی دارد، شرم ناسالم (که در پژوهش حاضر مورد نظر است) با ارزیابی منفی شدیداً دردناک و انتقاد به خود همراه است و معمولاً توسط فردی نشان داده می‌شود که مرتکب تخلف شده یا یک هنجار مهم (معمولاً اجتماعی) را نقض کرده است. بعلاوه، با تأمل در تخلف، فرد نتیجه می‌گیرد که او ناتوان، بی‌ارزش، دارای نقص اساسی، قابل سرزنش و قابل تحقیر است. شرم با احساس ناتوانی، احساس کوچک بودن، احساس کوچک شدن، قرار گرفتن در معرض و تمایل به ناپدید شدن همراه است (آنگلو و همکاران^۳، ۲۰۱۹). افراد مستعد شرم که خودپنداره پایینی دارند، غالباً بیش از حد خود کم‌بین هستند و از این که توسط دیگران بی‌ارزش تلقی شوند، ترس دارند. در واقع این ترس، آن‌ها را مستعد تفسیر تجارب فردی و بین‌فردی (از جمله روابط زوجی) به روش‌هایی می‌کند که منجر به شکل‌گیری باورهای بی‌ارزش بودن و ناکافی بودن می‌شود (بودیارتو و هلمی، ۲۰۲۱؛ پورتر و همکاران^۴، ۲۰۱۹؛ وودوارد و همکاران، ۲۰۱۹؛ ولوتی و همکاران، ۲۰۱۷؛ گاروفالو، ۲۰۱۵؛ کروکر و همکاران، ۲۰۱۴).. افراد دارای سبک‌های شناختی بسیار انتقادی نسبت به خود، نسبت به افرادی که در انتقاد از خود پایین‌ترند، واکنش‌های شناختی-عاطفی منفی شدیدتری به تعارضات زناشویی نشان می‌دهند (باقری نیا، ۱۳۹۶؛ نجفی و همکاران، ۱۳۹۶؛ گروبر و همکاران، ۲۰۱۴؛ هونت و هولوهان، ۲۰۱۲؛ زارعی و

1. Epstein, N. B., & Falconier, M. K.

2. Shame

3. Angulo, J.

4. Porter, Z.

همکاران، ۱۳۹۰؛ ایسون و همکاران، ۲۰۰۶). این به نوبه خود منجر به افزایش خصومت در شریک زندگی فرد و ایجاد نقص در حل اختلافات زناشویی می‌شود (زاروف و دانکن، ۱، ۱۹۹۹). تجربه شرم اغلب با احساس کوچک شدن، کوچک بودن، بی ارزشی و ناتوانی و در معرض خطر بودن همراه است. به دلیل تحمل ناپذیری آن، افراد در حین یک تجربه شرم آور اغلب به تعدادی از تاکتیک‌های دفاعی مانند تلاش برای پنهان کردن خود، فرار از احساس شرم آور، انکار مسئولیت یا تلاش برای مقصر دانستن دیگران، و گاهی اوقات به اقدامات آشکارا ویرانگر و مخرب متوسل میشوند (استویگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ اندروز و همکاران، ۲۰۰۲). بر طبق نظر جانگک (۲۰۰۵) شرم و گناه عواملی خطرناک و بالقوه برای بروز پرخاشگری در روابط صمیمانه هستند. در واقع احساس شرم از دو مسیر می‌تواند بروز تعارضات زناشویی را افزایش دهد. اولاً احساس شرم تمایل فرد را به مخفی کردن کاستی‌های خود افزایش می‌دهد و بنابراین احتمال بکار بردن راهبردهای مستقیم حل تعارض کاهش می‌یابد و ثانیاً شرم می‌تواند هیجان‌های منفی و تمایل به تنبیه کردن همسر را افزایش دهد که نتیجتاً حل مستقیم تعارضات را دچار مشکل می‌کند (خزاعی و همکاران، ۱۴۰۰).

بنا بر آنچه گذشت، به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های شخصیتی (خودپنداره) و شناختی- هیجانی (شرم)، نقش قابل توجهی در تعارضات بین فردی و از جمله تعارضات زناشویی داشته باشند و این نقش و رابطه در پژوهش‌های داخلی بخش، معین و سهامی (۱۳۹۱) و همچنین در مطالعات خارجی رابطه خودپنداره و شرم در پژوهش‌های تورس و همکاران (۲۰۲۱)، ناچوکو و اوتا (۲۰۲۰)، مک لین و همکاران (۲۰۲۰)، کارگر و همکاران (۱۳۹۸)، پارایس و همکاران (۲۰۱۹)، تکلوی و زارع (۱۳۹۷)، سخاوتی و همکاران (۱۳۹۷)، نجفی و همکاران (۱۳۹۶) و باقری نیا (۱۳۹۶) به اثبات رسیده است. مارسینچوا و زاهورکوا (۲۰۲۰) در مطالعه خود تحت عنوان «رضایت جنسی، نگرش‌های جنسی و شرم در رابطه با دین‌داری» به این نتیجه دست پیدا کردند، که بین شرم و رضایت جنسی رابطه منفی وجود دارد. گیلچریست و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود به این نتیجه دست پیدا کردند که بین خودپنداره جسمی و شرم پیش‌بینی شده برای زنان و نه مردان رابطه منفی وجود دارد. یافته‌های بک (۲۰۱۵) رابطه منفی شرم زن و شوهر با رضایت جنسی آنها را اثبات می‌نماید. یافته "خودپنداره فیزیکی پایین‌تر، مربوط به شرم و گناه بدن بالاتر است" حاصل پژوهش کروکر

1. Zuroff & Duncan

2. Stuewig, J

و همکاران^۱ (۲۰۱۴) است. رابطه شرم و استراتژی‌های مقابله‌ای زوجین درگیر شرم با افزایش تعارضات زناشویی در پژوهش‌های بلک و همکاران (۲۰۱۳) و کلارک (۲۰۱۷) نیز تایید شده است. بنا بر آنچه گذشت، به نظر می‌رسد که ضعف در خودپنداره به‌عنوان یکی از ابعاد مهم شخصیتی، به واسطه بعضی عوامل واسطه‌ای شرم، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری تعارضات زناشویی دارد. به طوری که خودپنداره ضعیف‌تر می‌تواند زمینه‌ساز بروز شرم ناسالم در تعاملات زوجی در موقعیت‌های متنوع شود و شرم نیز با فعالسازی مکانیسم‌های هیجانی و رفتاری ناکارآمد به تعارضات زناشویی منجر گردد و به ویژه مدیریت و حل تعارضات را دچار مشکل نماید (مک‌دانل، ۲۰۱۷). طبق پژوهش‌ها، شرم ناسالم با کاهش کیفیت تعاملات زناشویی مرتبط است. بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی که ارتباط خودپنداره را با شرم و یا تعارضات زناشویی بررسی کرده‌اند بر خودپنداره بدنی یا خودپنداره جنسی متمرکز بوده‌اند و در نظر گرفتن خودپنداره به‌طور کلی بعنوان یک مفهوم چند بعدی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به ویژه اکثر پژوهش‌ها به بررسی رابطه دو به دوی این متغیرها پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این سوال که آیا شرم می‌تواند در رابطه خودپنداره با تعارضات زناشویی نقش واسطه‌ای داشته باشد صورت گرفته است. شناسایی متغیرهای واسطه‌ای می‌تواند مبانی نظری را در زمینه ارتباطات آماری بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک تقویت نماید و استفاده از مدل معادلات ساختاری پژوهشگران را یک گام به نتیجه‌گیری‌های علی نزدیک‌تر می‌نماید پژوهش حاضر از این لحاظ دارای ارزش نظری است و یافته‌ها می‌تواند برای متخصصین و مشاورین حوزه خانواده و زوج‌درمانی دارای تلویحات کاربردی قابل توجهی باشد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش را تمام زنان و مردان متأهل ساکن شهر اصفهان تشکیل می‌دادند. نمونه مورد نظر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و برحسب آمار تقریبی جامعه پژوهش، و برحسب آمار تقریبی جامعه پژوهش (۱۱۴۰۰۷۱ متأهل استان اصفهان در سال ۹۵)، عدد نمونه بر

1. Crocker, P. R.

اساس فرمول کوکران محاسبه شد (حافظ نیا، ۱۳۹۵) که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۲۰ نفر برآورد شد. معیارهای ورود شامل حداقل یک سال زندگی مشترک، رضایت آگاهانه از شرکت در پژوهش، سواد خواندن و نوشتن، دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی و معیار خروج، پاسخ دهی ناقص به سوالات پرسشنامه بود. همچنین به آزمودنی‌ها شرکت کنندگان اطمینان داده شد که با استفاده از اسم مستعار، اطلاعات محرمانه باقی خواهد ماند. به دلیل مشکلات پیش آمده به خاطر ویروس کووید ۱۹ و شیوع کمتر آن، داده‌ها به صورت آنلاین جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا لینک پرسشنامه از سایت پرسا «پرسشنامه ساز آنلاین» ساخته شد و سپس با نشر لینک پرسشنامه بین افراد متأهل از طریق پیامک و توضیحاتی در مورد پرسشنامه و نحوه جواب‌دهی به پرسشنامه برای آنها ارسال گردید؛ و از شرکت کنندگان درخواست شد که برای دوستان و آشنایان متأهل خود لینک را ارسال کنند و در جمع‌آوری داده‌ها ما را یاری رسانند. پس از جمع‌آوری اطلاعات داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، روش همبستگی و روش رگرسیون به کمک نرم‌افزار تحلیل Spss20 و Amos v.24، مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

آزمون عاطفه خودآگاه^۱ (TOSCA-2):

برای سنجش شرم از پرسشنامه عاطفه خودآگاه تانگنی^۲ و همکاران (۲۰۰۰) استفاده شد. این پرسشنامه، یک پرسشنامه خودسنجی و مداد کاغذی است که ۱۶ موقعیت زندگی روزمره را به شرکت کنندگان ارائه می‌کند که ۱۱ وضعیت آن از نظر اجتماعی دارای ارزش مثبت و ۵ وضعیت آن دارای ارزش منفی است. پاسخ‌دهندگان پاسخ‌های احساسی، هیجانی و رفتاری خویش و احتمال پاسخ خود به آنها را رتبه می‌دهند. رتبه بندی پاسخ‌ها به صورت لیکرت ۵ درجه ای است که دامنه آنها از ۱ به معنی «احتمال ندارد» تا ۵ به معنی «احتمال قطعی» می‌باشد. نمره‌ی پائین در این پرسشنامه بیانگر ارزیابی منفی فرد از خویشتن خود، رفتارها و عمل‌هایش است. تانگنی و همکاران (۲۰۰۰)

1. Test Of Self-Conscious Affect

2. Tangney, J. P.

روایی سازه دو مقیاس شرم و گناه را در حد مناسب گزارش کرده‌اند. در ایران روایی صوری این آزمون مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است (ثنایی ذاکر، ۱۳۹۶). ضریب ثبات درونی یا آلفای کرونباخ کلی پرسش‌نامه ۰/۸۶ و برای احساس شرم ۰/۸۵ و ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های شرم و گناه در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی تعارضات زناشویی^۱ (MCQ)

پرسشنامه‌ی ۴۲ سوالی ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۷۹)، پرسشنامه تعارضات زناشویی توسط کانزاس آگمان و همکاران (۱۹۸۵) نیز الارائه شده است، ۷ بعد از تعارضات زناشویی را اندازه می‌گیرد؛ هر پرسش پنج گزینه دارد که به تناسب ۵ تا ۱ نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در پژوهش خزایی (۱۳۸۵) نمرات تمامی مولفه‌های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارضات زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی معناداری دارند. (در بررسی مقالات و منابع مختلف فقط توانستم سطح معناداری برای این آزمون پیدا کنم و متأسفانه برای دو پرسشنامه دیگر سطح معناداری یافت نشد). در مطالعه دهقان (۱۳۸۵) ضرایب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۱ و زیر مقیاسهای کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر به ترتیب برابر ۰/۷۳، ۰/۶۰، ۰/۷۴، ۰/۸۱، ۰/۶۵، ۰/۸۱، ۰/۶۹ به دست آمده است. در پژوهش (لوف و همکاران، ۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه تعارضات زناشویی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۷ به دست آمد.

1. Marital Conflict Questionnaire

پرسشنامه تصور از خود بک^۱ (BSCT):

این پرسشنامه توسط بک و استیر (۱۹۷۸) بر اساس نظریه شناختی بک تهیه گردیده و شامل ۲۵ ماده است. بر اساس تحقیقات بک و همکاران (۱۹۹۲)، این پرسشنامه ۵ بعد از ویژگی‌هایی را مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: توانایی ذهنی، کارآمدی شغلی، جذابیت جسمانی، مهارت‌های اجتماعی و عیب‌ها و حسن‌ها. در این پرسشنامه چندین گروه سوال وجود دارد و هر سوال، بیان‌کننده صفتی در فرد است و هر یک از مواد براساس روش درجه بندی شامل ۵ اظهار نظر است که این اظهار نظرها از کاملاً مثبت تا کاملاً منفی درجه بندی شده‌اند و شرکت‌کننده در هر ماده یکی از آنها را انتخاب می‌کند سوال‌های آزمون بر اساس ارتباط آن‌ها با تصور از خود از پنج تا یک نمره گذاری می‌شود بجز در سوال‌های ۳، ۱۴، ۱۱، ۱۷ و ۲۵ که به صورت یک تا پنج نمره گذاری می‌شود. بدین ترتیب حداقل نمره ای که شرکت‌کننده در این مقیاس به دست می‌آورد ۲۵ و حداکثر آن ۱۲۵ خواهد بود. هر چه نمرات بالاتر باشد خودپنداره بهتر و هر چه نمرات پایین‌تر باشد خودپنداره افراد ضعیف‌تر است. ضریب همسانی درونی برای این مقیاس ۰/۸۰ و روایی آن ۰/۵۵ گزارش شده است. علاوه بر آن اعتبار این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مردان افسرده ۰/۸۰، زنان افسرده ۰/۷۶، مردان مضطرب ۰/۷۸ و زنان مضطرب ۰/۷۸ گزارش شده است. در ایران دیباج نیا (۱۳۸۳) آلفای کرونباخ ۰/۷۹ را برای پرسشنامه به دست آورده است. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۳ برای این پرسشنامه به دست آمد. فتحی آشتیانی (۱۳۷۵) میانگین و انحراف معیار این پرسشنامه را در کل نمونه به ترتیب ۸۶/۳۵ و ۹/۹۹ گزارش کرده است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین شرم و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین شرم و ابعاد خودپنداره رابطه وجود دارد.
- ۳- ابعاد خودپنداره در پیش‌بینی تعارضات زناشویی نقش دارد.
- ۴- شرم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی نقش واسطه‌ای دارد.

1. Beck Self-Concept Test

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۳۲۰ فرد متأهل مورد ارزیابی قرار گرفتند که ۲۰۴ نفر از آنها زن (۶۴٪) و ۱۱۶ نفر مرد (۳۶٪) بودند. دامنه سنی شرکت کنندگان از زیر ۲۰ سال، تا بالای ۵۰ سال بود که در دامنه سنی ۳۰-۳۹ سال دارای بیشترین فراوانی بود (۳۶٪). ۷۷٪ (۳۶٪) شرکت کنندگان ازدواج سنتی و ۳۳٪ آنها ازدواج غیر سنتی داشتند که در قالب یک سوال پرسیده شد (آیا ازدواج شما با معرفی و حضور والدین به صورت سنتی انجام شد یا در ادامه روابط دونفره و دوستی قبل از ازدواج؟). بیشترین درصد فراوانی مدت زمان ازدواج ۱-۱۰ سال بود (۴۹٪). این افراد دارای تحصیلات زیر سیکل تا کارشناسی ارشد بودند که در این بین سطح تحصیلات کارشناسی دارای بیشترین فراوانی بود (۳۸٪) و نیز بالاترین فراوانی تعداد فرزندان مربوط به تعداد ۲ فرزند بود (۳۶٪). شرکت کنندگان کارمند، کارگر، آزاد و خانه دار بودند که شغل کارمندی دارای بیشترین درصد فراوانی (۳۲٪) بود.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان

درصد	فراوانی		
۶۴	۲۰۴	زن	جنسیت
۳۶	۱۱۶	مرد	
۳	۱۱	زیر ۲۰ سال	سن
۲۲	۷۱	۲۰-۲۹ سال	
۳۶	۱۴۷	۳۰-۳۹ سال	
۲۳	۷۲	۴۰-۵۹ سال	
۶	۱۹	بالای ۵۰ سال	
۷۷	۲۴۶	سنتی	نوع ازدواج
۳۳	۷۴	غیر سنتی	
۴۹	۱۵۸	۱-۱۰ سال	مدت زمان ازدواج
۳۶	۱۰۷	۱۱-۲۰ سال	
۱۶	۴۶	۲۱-۳۰ سال	
۳	۹	۳۰ سال به بالا	

درصد	فراوانی		
۴	۱۴	سیکل	تحصیلات
۳۲	۱۰۱	دیپلم	
۱۰	۳۲	کاردانی	
۳۸	۱۲۲	کارشناسی	
۱۶	۵۰	کارشناسی ارشد	
۰	۱	بدون پاسخ	
۲۵	۷۹	بدون فرزند	تعداد فرزندان
۲۶	۸۵	۱ فرزند	
۳۶	۱۱۷	۲ فرزند	
۱۱	۳۴	۳ فرزند	
۲	۵	۴ فرزند	
۳۲	۱۰۱	کارمند	شغل
۱۴	۴۶	آزاد	
۳۰	۹۶	خانه‌دار	
۲۴	۷۷	کارگر	

شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش در جدول (۲) آورده شده است. همچنین جهت بررسی پیش‌بینی تعارضات زناشویی با در نظر گرفتن ابعاد خودپنداره از آزمون رگرسیون خطی استفاده و برای ورود داده‌ها به رگرسیون، از روش هم‌زمان استفاده شده است. بر اساس جدول شماره (۲) میزان ضریب تعیین $0/276$ نشان‌دهنده میزان تغییرات تعارضات زناشویی به وسیله ابعاد متغیر پیش‌بینی می‌باشد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

ضرب تعیین تعدیل شده	۰/۲۷۶								
	۰/۲۸۷								
ضرب همبستگی چندگانه	ماتریس همبستگی		تعارضات زناشویی	خودپنداره	توانی ذهنی	کارآمدی شفقی	جذابیت جسمانی	مهارت اجتماعی	عیبها و حسن‌ها
	خودپنداره	شرم							
	۰/۱۲**	۰/۱۸**	۱	۱	۰/۷**	۰/۷۱**	۰/۷۴**	۰/۷۶**	۰/۴۶**
	۰/۱۶**	۱	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۰	۰/۱۹**	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۱
کسب‌دگی	۱	۰/۱۶**	۰/۱۲**	۰/۰۹**	۰/۱۵**	۰/۲۰**	۰/۱۱*	۰/۰۱	۰/۰۱
چولگی	۰/۴۷	۱/۸	۰/۹۲	۰/۴۳	۰/۷۲	۰/۷۴	۰/۶۷	۰/۲۷	۰/۲۷
انحراف معیار	۰/۸۱	۰/۶۷	۰/۳۶	۰/۴۹	۰/۰۹	۰/۶۳	۰/۰۴	۰/۳۰	۰/۳۰
	۲۷/۵	۶۷	۱۳/۹	۲/۸	۲/۴	۲/۶	۲/۳	۲/۰۸	۲/۰۸
میانگین	۱۶۷/۴۳۸	۵۷/۶۹۰۶	۵۸/۱۴۰۶	۱۳/۰۹	۱۳/۹۰	۱۳/۰۱	۱۴/۷۶	۱۶/۶	۱۶/۶
موانعها	تعارضات زناشویی	مجموع	خودپنداره	توانی ذهنی	کارآمدی شفقی	جذابیت جسمانی	مهارت اجتماعی	عیبها و حسن‌ها	
متغیر	تعارضات زناشویی	مجموع	خودپنداره	توانی ذهنی	کارآمدی شفقی	جذابیت جسمانی	مهارت اجتماعی	عیبها و حسن‌ها	

جهت بررسی رابطه معنادار بین متغیرهای تحقیق (شرم- ابعاد تعارضات زناشویی، شرم-ابعاد خودپنداره) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است و نتایج آن در جدول شماره ۳ آورده شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرها کمتر از میزان خطای ۰/۰۵ است، پس رابطه بین دو متغیرها و همه ابعاد آنها معنادار است.

جدول ۳. آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	تعارضات زناشویی	خودپنداره	شرم	توانایی ذهنی	کارآمدی شغلی	جذابیت جسمانی	مهارت اجتماعی	عیب‌ها و حسن‌ها
تعارضات زناشویی	۱	-۰.۱۶۰	-۰.۱۲۱	-۰.۰۹۵	-۰.۱۵۸	-۰.۲۰۵	-۰.۱۱۹	۰.۰۱۷
خودپنداره	-۰.۱۶۰	۱	۰.۱۸۴	۰.۸۰۳	۰.۸۱۹	۰.۷۴۹	۰.۷۲۷	۰.۴۶۹
شرم	-۰.۱۲۱	۰.۱۸۴	۱	۰.۱۷۵	۰.۱۰۰	۰.۱۹۴	۰.۰۸۲	۰.۰۱۲
توانایی ذهنی	-۰.۰۹۵	۰.۸۰۳	۰.۱۷۵	۱	۰.۷۴۹	۰.۵۳۱	۰.۳۹۴	۰.۱۴۴
کارآمدی شغلی	-۰.۱۵۸	۰.۸۱۹	۰.۱۰۰	۰.۷۴۹	۱	۰.۵۰۶	۰.۴۴۰	۰.۲۵۶
جذابیت جسمانی	-۰.۲۰۵	۰.۷۴۹	۰.۱۹۴	۰.۵۳۱	۰.۵۰۶	۱	۰.۴۴۹	۰.۱۱۶
مهارت اجتماعی	-۰.۱۱۹	۰.۷۲۷	۰.۰۸۲	۰.۳۹۴	۰.۴۴۰	۰.۴۴۹	۱	۰.۳۶۹
عیب‌ها و حسن‌ها	۰.۰۱۷	۰.۴۶۹	۰.۰۱۲	۰.۱۴۴	۰.۲۵۶	۰.۱۱۶	۰.۳۶۹	۱

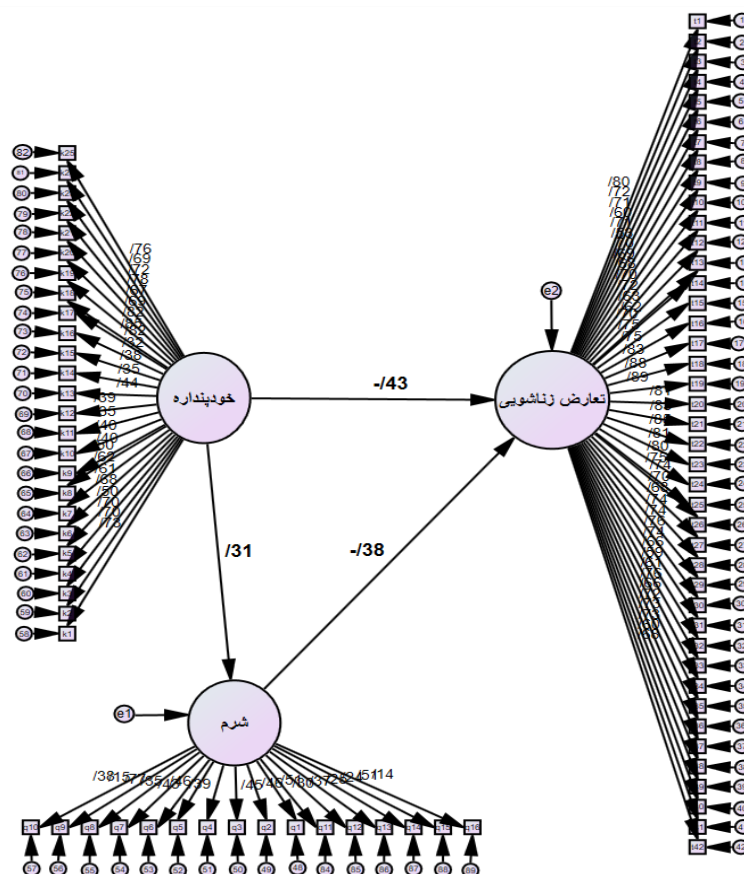
نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون طبق جدول شماره ۴ در سطح معناداری ۹۵ درصد نشان می‌دهد که مولفه‌های جذابیت جسمانی و کارآمدی شغلی بصورت معکوس در پیش‌بینی تعارضات زناشویی مؤثر است و سایر متغیرهای به دلیل بالاتر بودن سطح معناداری آزمون از میزان خطا ۰/۰۵ در تعیین میزان تعارضات زناشویی نقش معناداری ندارند.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون

متغیر وابسته	متغیر پیش‌بین	beta	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
تعارضات زناشویی	عدد ثابت	۲۰۰/۲۳	۱۱/۵۵	---	۱۷/۳۳	۰/۰۰
	شرم	-۰/۱۲	۰/۰۷	-۰/۰۹	-۱/۶۸	۰/۰۹
	توانایی ذهنی	۰/۹۵	۰/۵۶	۰/۱۴	۱/۶۹	۰/۰۹
	کارآمدی شغلی	-۱/۳۳	۰/۶۶	-۰/۱۷	-۱/۹۹	۰/۰۴
	جذابیت جسمانی	-۱/۱۵	۰/۴۸	-۰/۱۶	-۲/۳۷	۰/۰۱
	مهارت اجتماعی	-۰/۳۷	۰/۵۳	-۰/۰۴	-۰/۷۱	۰/۴۷
	عیب‌ها و حسن‌ها	۰/۷۱	۰/۵۴	-۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۹

پس از اجرای تحلیل‌های آماری توصیفی جهت بررسی نقش واسطه‌ای شرم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی، از آزمون معادلات ساختاری استفاده شده است. در مورد مفروضه‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری، فرض نرمال بودن بر اساس آزمون کولموگراف-اسمیرونف ارزیابی شد و سطح معناداری برای سه متغیر بیشتر از ۰/۰۵ بود که نشان‌دهنده نرمال بودن متغیرها بود. فرض خطی بودن بر اساس نمودار پراکنندگی مورد ارزیابی قرار گرفت و جهت بررسی هم خطی چندگانه از آماره تحمل و VIF استفاده شد که نتایج این آماره‌ها تایید کننده عدم وجود همخطی بود. همچنین استقلال خطاها با آزمون دوربین-واتسون بررسی شد که این آماره برابر ۱/۸ و تایید کننده استقلال بین خطاها بود. بررسی داده پرت با نمودار باکس ویسکر انجام شد و داده‌های پرت شناسایی شد.

همان‌طور که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌شود، برای آزمون فرضیات فرعی تحقیق از مدل مفهومی پژوهش در حالت مقدار بارهای عاملی استفاده شده است.



شکل ۱. آزمون مدل مفهومی تحقیق در حالت بارهای عاملی استاندارد (شکل بزرگ‌تر شد)

با توجه به خروجی مدل، میزان کای اسکوئر ۸۴۳۹/۲۶۱ و میزان درجه آزادی ۳۳۱۷ است. طبق جدول شماره ۵ شاخص نسبت مجذور کای دو به درجه آزادی ۲/۵۴ و کمتر از عدد ۳ نشان‌دهنده مطلوب بودن شاخص برازش است. از دیگر شاخص‌های برازش مدل شاخص RMR ۰/۰۷۲ (میزان مطلوب نزدیک به عدد ۰)، شاخص GFI ۰/۹۲۶ (میزان مطلوب نزدیک به عدد ۱) نشان از برازش مطلوب مدل مورد آزمون دارد.

■ نقش واسطه‌ای شرم ناسالم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی در افراد متأهل

نتیجه	مقدار قابل قبول	بعد	شاخص	معیارهای برازش مدل
مطلوب	کمتر از ۳	۲/۵۴	χ^2/df	کای دو نسبی
مطلوب	کمتر از ۰/۱	۰/۰۹۷	RMSEA	ریشه میانگین مجذورات تقریب
مطلوب	حدود صفر	۰/۰۷۲	RMR	ریشه مجذور مانده‌ها
مطلوب	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲۶	GFI	شاخص برازش تطبیقی

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل نهایی

نتیجه	مقدار قابل قبول	مدل	معیارهای برازش مدل
مطلوب	کمتر از ۳	۲/۵۴	کای دو نسبی (χ^2/df)
قابل قبول	کمتر از ۰/۸	۰/۰۹۷	ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)
مطلوب	حدود صفر	۰/۰۷۲	ریشه مجذور مانده‌ها (RMR)
مطلوب	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲۶	شاخص برازش تطبیقی (GFI)

نتایج به دست آمده از تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که: مطابق شکل شماره ۱، مقدار رابطه معنادار بین خودپنداره با تعارضات زناشویی $-۰/۴۳$ است. به عبارت دیگر با افزایش نمرات خودپنداره در افراد، نمرات تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. همچنین مقدار رابطه معنادار بین شرم با تعارضات زناشویی $-۰/۳۸$ است. به عبارت دیگر با افزایش نمرات شرم، نمرات تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد و بالعکس. همچنین مقدار رابطه معنادار بین خودپنداره با شرم $۰/۳۱$ است. به عبارت دیگر با افزایش میزان خودپنداره در افراد نمرات شرم نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. لازم به ذکر است که در پرسشنامه استفاده شده برای شرم در پژوهش حاضر، نمرات بالاتر شرم به معنای شرم کمتر است.

در بررسی نقش واسطه‌ای شرم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی با استفاده از مدل معادلات ساختاری، اولاً خروجی نرم‌افزار نشان‌دهنده مناسب بودن مدل ساختاری برازش یافته برای آزمون سؤال مورد نظر است. ضرایب به دست آمده زمانی معنادار می‌باشند که مقدار آزمون معناداری آن‌ها کمتر از عدد $۰/۰۵$ باشد. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب معناداری میان خودپنداره

و تعارضات زناشویی در افراد متأهل با توجه به نقش واسطه‌ای شرم برابر با ۰/۰۰ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که شرم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. بر اساس نتایج جدول ۶، رابطه بین تعارضات زناشویی و خودپنداره با نقش میانجی شرم معادل ۰/۱۲- می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه نمرات شرم در افراد بیشتر باشد، رابطه خودپنداره با تعارضات زناشویی در جهت معکوس کاهش می‌یابد. در جدول ۶ اثرات غیر مستقیم (با فرمان بوت استرپ) ارائه شده است. مطابق با یافته‌ها تایید می‌گردد که شرم در رابطه خودپنداره و تعارضات زناشویی نقش واسطه‌ای دارد.

جدول ۶. اثر غیرمستقیم شرم بر رابطه بین تعارضات زناشویی و خودپنداره

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میزان اثر با میانجی‌گری متغیر شرم	سطح معناداری
تعارضات زناشویی	خودپنداره	-۰/۱۲	۰/۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین شرم و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای شرم در رابطه خودپنداره با تعارضات زناشویی صورت گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد که اولاً بین شرم و تعارضات زناشویی رابطه مستقیمی وجود دارد (همبستگی معکوس با توجه به ماهیت پرسشنامه شرم) به این معنا که با افزایش شرم، تعارضات زناشویی نیز افزایش می‌یابد که البته این رابطه علی و معلولی نیست. پژوهش‌های حوزه شرم بیشتر بر رضایت و کیفیت زناشویی متمرکز هستند و پژوهش‌های بسیار محدودی به رابطه شرم با تعارضات زناشویی پرداخته‌اند. برای نمونه مطالعه بک (۲۰۱۵) نشان داد که شرم در زوجین با رضایت جنسی پایین (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تعارضات زناشویی) زوجین همراه است. همچنین مک لین و همکاران (۲۰۲۰)، بیان کردند که بین شرم از بدن و رضایت زناشویی رابطه معکوسی وجود دارد. زارعی و همکاران (۱۳۹۰) نیز بیان می‌کنند که سطح اعتماد و خود متمایزسازی بالا در کنار احساس شرم پایین در زوجین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سازگاری بالا در زندگی زناشویی باشد. در تبیین این

یافته می‌توان به یافته‌های تحقیقات گروبر و همکاران (۲۰۱۴)، هونت و هولوهان (۲۰۱۲) اشاره کرد که بیان می‌کنند زیربنای تعارضات زناشویی و خشونت، شرم است. این یافته را اینگونه می‌توان تبیین نمود که در کل وقتی که در روابط زوجی شرم احساس می‌شود زوج مستعد شرم، برای تسکین درد خود و فرار از این شرایط به خشونت، حمله، کنایه، سرزنش نسبت به شریک خود و اجتناب از صمیمی شدن در روابط زوجی خود متوسل می‌شود. افرادی که برای تسکین درد شرم احساس شده به استراتژی عقب‌نشینی یا اجتناب متوسل می‌شوند روابط زوجی را ناامن می‌دانند و ترس از صمیمیت در روابط خود را تجربه می‌کنند و با میزان افسردگی بالا، باعث پریشانی شریک خود و تعارضاتی بین زوجین می‌شوند (بلک و همکاران، ۲۰۱۳، کلارک، ۲۰۱۷). همچنین تجربه شرم اغلب در روابط جنسی زوجین که صمیمی‌ترین رابطه است اتفاق می‌افتد. زوجی که مستعد شرم است، می‌ترسد که شرم او توسط شریک خود کشف شود. در این صورت تمایلی به برقراری رابطه جنسی با شریک خود نشان نمی‌دهد. در نتیجه زوجین کاهش رضایت جنسی و رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند (مارسینچوا و همکاران، ۲۰۲۰)؛ بنابراین تجربه شرم به‌عنوان یک عامل شناختی-هیجانی می‌تواند با کیفیت روابط زوجین و رضایت و تعارضات زناشویی مرتبط باشد.

آزمون همبستگی همچنین نشان داد که بین شرم و خودپنداره و همه ابعاد آن رابطه معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات گیلچریست و همکاران (۲۰۲۰)، وودوارد و همکاران (۲۰۱۹)؛ ولوتی و همکاران (۲۰۱۷)، کروکر و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. برای نمونه پژوهش گیلچریست و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که بین خودپنداره جسمی و شرم رابطه منفی وجود دارد و کروکر و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که خودپنداره ضعیف‌تر با شرم بالاتر همراه است. در تبیین این یافته می‌توان چنین بیان کرد که خودپنداره و شرم سازه‌هایی هستند که با ساختار بنیادی خود ارتباط نزدیکی دارند. نتایج پژوهش ولوتی و همکاران (۲۰۱۷)، نشان داد که احساسات شرم‌آور با کاهش عزت نفس و با سطوح بالاتر خصومت و پریشانی روان‌شناختی همراه است. تصورات و سبک‌های ادراکی از خود بر رفتار شناختی و اجتماعی که فرد انتخاب می‌کند تأثیر می‌گذارد (لوئیس، ۱۹۷۱). شرم اغلب یک بیماری دردناک و ناتوان‌کننده است. تجارب مکرر شرم می‌تواند در نهایت به یک شرم مزمن تبدیل شود. این شرم نیز به‌نوبه خود شامل احساسات منفی از

قبیل احساس حقارت، ناامیدی، درماندگی و اشتیاق برای پنهان کردن عیوب شخصی است (اندروز و همکاران، ۲۰۰۲). بر این اساس، می‌توان بیان کرد که تجربه شرم با نوسانات خودپنداره ارتباط تنگاتنگی دارد و تجارت مکرر شرم با سطوح پایین خودپنداره مرتبط است (گاروفالو، ۲۰۱۵). علاوه بر این، سطوح پایین خودپنداره می‌تواند آسیب‌پذیری فرد را در برابر تجربه حالات عاطفی منفی، از جمله شرم افزایش دهد (بودیارتو و هلمی، ۲۰۲۱). در کل می‌توان بیان کرد که تجربه شرم به‌تثابی به دست نمی‌آید. بلکه احساس شرمندگی به‌احتمال زیاد با عدم اعتمادبه‌نفس و همچنین با دنیای بیرون مرتبط است. به‌این ترتیب، تعجب‌آور نیست که احساس شرم و عدم اعتماد به خود و دیگران می‌تواند با پریشانی روانی کلی همراه باشند. لازم به ذکر است که پژوهشگر هیچ پژوهشی در زمینه رابطه بین شرم و خودپنداره در پژوهش‌های داخلی پیدا نکرد و به این دلیل امکان مقایسه یافته‌ها وجود ندارد.

آزمون همبستگی نشان داد که از بین خرده مقیاس‌های خودپنداره، کارآمدی شغلی و جذابیت و مهارت با توجه به سطح معناداری آنها به‌صورت معکوس (غیرمستقیم) با تعارضات زناشویی رابطه دارند. نزدیک به این یافته‌ها، نتایج پژوهش پارایس و همکاران (۲۰۱۹)، نشان داد که وضوح خودپنداره و ابعاد آن می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. در واقع شفافیت خودپنداره افراد، پیامدهایی برای بهزیستی روابط زوجی دارد. افرادی که از خودپنداره بالاتری برخوردار هستند رضایت بیشتری از روابط زوجی خود و شریک زوجی خود دارند. همچنین باقری نیا (۱۳۹۶) در پژوهش خود بیان کرد که از بین خرده مقیاس‌های خودپنداره، خودپنداره عیب‌ها و حسن‌ها، خودپنداره ذهنی و خودپنداره شغلی مجموعاً قادر به تبیین و پیش‌بینی رضایت زناشویی هستند که به نوعی با نتایج پژوهش حاضر همسو است، اگر کاهش تعارضات زناشویی را بعنوان یکی از شاخص‌های رضایت زناشویی در نظر بگیریم. در واقع بین خودپنداره و روابط بین فردی یک رابطه متقابل وجود دارد و با توجه به اینکه روابط زوجی نزدیک‌ترین رابطه بین فردی محسوب می‌شود می‌توان بیان کرد که زوجینی که از خودپنداره بالایی برخوردارند انتظارات و نقش‌های خود در روابط زوجی را به‌طور دقیق و واضح بیان کرده، نسبت به نقاط قوت و ضعف (عیب‌ها و حسن‌ها) خود آگاهی بیشتری دارند و بیشتر پذیرای نقطه نظرات شریک خود هستند (مک‌ایتایر و همکاران، ۲۰۱۷). در صورتی که زوجینی که خودپنداره ضعیفی دارند به دلیل ضعف در مهارت‌های

ارتباطی خود، ساکت و منزوی هستند و از صمیمی شدن در روابط خود اجتناب می‌کنند که این ویژگی‌ها باعث نارضایتی در شریک خود و کاهش ارتباطات بین فردی در آنها می‌شود (سahین و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین خودپنداره افراد بر مهارت‌ها و توانایی افراد در برابر مشکلات زندگی و تنش‌های زندگی زناشویی دارای تأثیرات مثبت و منفی است. افراد با خودپنداره بالا بینش مثبت‌تر و توانایی ذهنی بالاتری در مواجهه با مشکلات ایجاد شده دارند و بهتر می‌توانند با بحران‌های ایجاد شده در روابط خود دست و پنجه نرم کنند و آنها را مدیریت کنند. درحالی‌که افراد با خود پنداره پایین، درک و بینش منفی نسبت به مشکلات زندگی و بحران‌های ایجاد شده دارند و از آنجایی که پیش خود تصور می‌کنند که نمی‌توانند بر موقعیت ایجاد شده کنترل داشته باشند باعث ایجاد استرس بیشتر و تنش بیشتر در روابط زوجی خود می‌شوند (همایی و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین پژوهش نجفی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که خودپنداره بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارد. بر این اساس افراد با خودپنداره بالا احساس روشنی نسبت به خود داشته و احساس راحتی بیشتری با شریک خود و به اشتراک گذاشتن جنبه‌های خود دارند. همچنین این افراد درک و پذیرش بهتری نسبت به شریک خود در روابط زناشویی دارند. به‌طور کلی خودپنداره بالا یک منبع فردی است که با بهزیستی رابطه در زوجین ارتباط دارد.

نتایج به دست آمده از تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که شرم در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. همچنین با توجه به اعداد روی مسیرها در شکل ۱ می‌توان بیان کرد که هر چه میزان شرم در افراد بیشتر باشد، رابطه خودپنداره با تعارضات زناشویی در جهت معکوس کاهش می‌یابد. با توجه به معکوس بودن معنای نمرات شرم در پرسشنامه پژوهش حاضر، این یافته بدین معناست که خودپنداره قوی تر با واسطه شرم کمتر منجر به تعارضات زناشویی کمتر می‌شود و بالعکس. لازم به ذکر است که پژوهشی با موضوع مشابه یافت نشد تا امکان مقایسه یافته‌ها فراهم شود. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که شرم، افراد را ترغیب می‌کند که در برابر تعارضات به‌صورت ناسازگارانه جواب دهند و متوسل به استراتژی‌هایی از جمله عقب‌نشینی، حمله به دیگری و خودانتقادگری شوند که این گونه پاسخ‌ها در رابطه، باعث کاهش رضایت زناشویی و تشدید افسردگی می‌شود (الیسون و همکاران، ۲۰۰۶؛ بلک و همکاران، ۲۰۱۳). از سویی دیگر افراد با خودپنداره پایین، افرادی خودانتقادگر بوده و به خاطر ترس از قضاوت شدن دیگران از صمیمی

شدن در روابط اجتناب می‌کنند؛ که این به نوبه خود مانع از ایجاد ارتباطات موفق بین فردی در این افراد به خصوص روابط زوجی می‌شود (پورتر و همکاران، ۲۰۱۹؛ همایی و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع افراد دارای خودپنداره ضعیف به دلیل فقدان روابط صمیمی در تعاملات اجتماعی، با خودباوری‌های منفی نسبت به خود و تصور اینکه دیگران او را ناقص ارزیابی می‌کنند، شرم بیشتری را تجربه می‌کنند؛ که این شرم از طریق یک سری استراتژی‌های رفتاری و هیجانی منجر به تعارضاتی در روابط اجتماعی بالأخص روابط زناشویی آنان می‌شود (مک‌دائل، ۲۰۱۷).

با توجه به اینکه شرم یک هیجان خودآگاه است و با ارزیابی‌های منفی از خود سروکار دارد (تانگی و همکاران، ۲۰۰۳) و همچنین خودپنداره، همان درک و آگاهی فرد از خود است، می‌توان بیان کرد که نوسانات خودپنداره می‌تواند باعث تجربه شرم در افراد شود. وقتی شخصی خود را در موقعیتی مورد ارزیابی منفی قرار می‌دهد و خود را «آدم بد» تلقی می‌کند، خودپنداره او کاهش پیدا کرده و باعث تجربه شرم در او می‌شود و عملکردی از خود نشان می‌دهد که از نظر اجتماعی بد ارزیابی می‌شود (بودیارتو و هلمی، ۲۰۲۱)؛ این عملکرد ضعیف، منجر به واکنش‌های روانشناختی منفی در روابط بین فردی و در نتیجه تشدید تعارضات زوجی می‌گردد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

پژوهش حاضر در مرحله اجرا و بحث و تبیین با محدودیت‌هایی مواجه بود. مهم‌ترین محدودیت اجرایی پژوهش حاضر استفاده از روش آنلاین برای جمع‌آوری پرسشنامه‌ها بود زیرا به دلیل شیوع بیماری کرونا امکان مراجعه حضوری به افراد وجود نداشت بنابراین با توجه به نوظهور بودن اجرای آنلاین پژوهش‌ها در ایران، نمی‌توان از پاسخدهی دقیق و صادقانه شرکت‌کنندگان اطمینان قطعی داشت. همچنین داده‌ها از افرادی جمع‌آوری شده است که به اینترنت و گوشی هوشمند دسترسی داشته‌اند. از دیگر محدودیت‌ها، کمبود پژوهش‌های داخلی و خارجی مشابه و یا نزدیک به پژوهش حاضر بود به طوری که امکان مقایسه یافته‌ها و تبیین‌ها با سایر پژوهش‌ها محدود بود. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی داده‌ها به صورت حضوری جمع‌آوری شود و با توجه اینکه امکان همکاری شرکت‌کنندگان در مراجعات حضوری بیشتر است با انتخاب نمونه بزرگتر، به مقایسه روابط همبستگی و مدل معادلات ساختاری در زنان و مردان پرداخته شود. بررسی نقش دیگر

متغیرهای واسطه‌ای احتمالی مانند کیفیت روابط جنسی و تاب آوری زوجی و هوش هیجانی در رابطه بین خودپنداره و تعارضات زناشویی می‌تواند نتایج جالبی به همراه داشته باشد. ورود بعضی متغیرهای جمعیت‌شناختی به طرح پژوهشی مشابه پژوهش حاضر مانند تعداد سال‌های گذشته از ازدواج، وجود یا عدم وجود فرزندان، سن و تحصیلات زوجین نیز احتمالاً تفاوت‌های جالب توجهی را دربر خواهد داشت. با توجه به رابطه معنادار خودپنداره و شرم با تعارضات زناشویی، بررسی عوامل زمینه‌ساز احتمالی مانند تجارب نامطلوب دوران کودکی، فرزندپروری ادراک شده و عملکرد خانواده در شکل‌گیری متغیرهای فوق نیز می‌تواند جالب توجه باشد.

فهرست منابع

- باقری‌نیا، حسن. (۱۳۹۶). رابطه خودپنداره و احساس مثبت به همسر با رضایت زناشویی زنان متأهل اداره آموزش و پرورش شهر بجنورد. مجله اصول بهداشت روانی. (ویژه‌نامه سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی، مشاوره و علوم رفتاری)، ۱۹(۳)، ۲۹۶-۳۰۴.
- تک‌لوی، سمیه. و زارع، رویا. (۱۳۹۷). نقش هیجانات خودآگاه و تئوری ذهن در پیش‌بینی توجیه روابط فرا زناشویی در افراد متأهل. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی. ۱۳(۵۱)، ۶۲-۴۹.
- ثنایی‌ذاکر، باقر. (۱۳۹۶). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- ثنایی‌ذاکر، باقر. و براتی، طاهره. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- خزاعی، سمانه، نوابی‌نژاد، شکوه، فرزاد، ولی‌اله، و زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان: با واسطه‌گری احساس شرم و گناه. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۱۴(۵۴)، ۱۵۵-۱۷۲.
- دهقان، فاطمه. (۱۳۸۵). مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه‌کننده برای مشاوره زناشویی. دانشگاه تربیت‌معلم تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره.
- دیباچ‌نیا، پروین. (۱۳۸۳). بررسی رابطه کارآیی خانواده و خودپنداره در دانشجویان دانشکده توان‌بخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی سال ۱۳۸۱. پژوهنده، ۹(۴۰)، ۲۴۰-۲۳۷.
- زارعی، سلمان. فرح‌بخش، کیومرث. و اسماعیلی، معصومه. (۱۳۹۰). تعیین سهم خود‌متمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ۱۲(۳)، ۶۳-۵۱.
- سخاوتی، اقبال. رحیمیان‌بوگر، مجتبی. و صادقی، سوسن. (۱۳۹۷). بررسی آگاهی از خود‌پنداره‌های ذهنی و تأثیر آن بر تعارضات دوران عقد در زنان جوان ایرانی، کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین‌رشته‌ای در مدیریت و مهندسی، تهران، <https://civilica.com/doc/883104>
- شاه‌حسینی، زهره. ضیایی، طیبه. فرامرزی، محبوبه. و موسی‌زاده، محمود. (۱۳۹۶). نقش پیش‌بینی‌کننده خودپنداره جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل سنین باروری. چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، <https://civilica.com/doc/670486>
- شهابی، شیفته. جناآبادی، حسین. کرد‌تمینی، بهمن. (۱۴۰۰). نقش میانجی صمیمیت زناشویی در رابطه بین تحمل پریشانی و خودپنداره جنسی در زوجین دچار تعارض زناشویی؛ خانواده درمانی کاربردی، ۳(۷)،
- فتحی‌آشتیانی، علی (۱۳۷۵). بررسی تصور از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی در نوجوانان تیزهوش و عادی. دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه دکترای روانشناسی.

کارگر، سعیده. داوودی، اعظم. و مظفری، محمد. (۱۳۹۸). پیش‌بینی رضایت جنسی زنان بر اساس احساس شرم و گناه و دشواری در تنظیم هیجان. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه. ۱۰(۳۹)، ۱۱۵-۱۲۶.

لواف، هانیه. شکری، امید. و قنبری، سعید. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مدل‌های ارتباطی زوجین در رابطه بین تعارض زناشویی و مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده دختران. روانشناسی خانواده. ۱(۲)، ۳-۱۸.

نجفی، نسیم. بلیاد، محمدرضا. و کلهر، محمدعلی. (۱۳۹۶). رابطه هوش هیجانی، خودپنداره، تمایز یافتگی و رضایت زناشویی در زوجین متقاضی طلاق، اولین همایش ملی روانشناسی و مشاوره خانواده، استان البرز، <https://search.ricest.ac.ir/dl/search/defaultta.aspx?DTC=36&DC=213238>

- Andrews, B., Qian, M., & Valentine, J. D. (2002). Predicting depressive symptoms with a new measure of shame: The Experience of Shame Scale. *British Journal of Clinical Psychology*, 41(1), 29-42.
- Angulo, J., Fleury, V., Péron, J. A., Penzenstadler, L., Zullino, D., & Krack, P. (2019). Shame in Parkinson's disease: a review. *Journal of Parkinson's disease*, 9(3), 489-499.
- Azwardi, A. (2020). Efforts to improve teacher competency in developing learning materials through collaborative academic supervision. *Indonesian Educational Administration and Leadership Journal*, 2(1), 1-12.
- Bayle, A. T., Ayalew, D. W., & Yimer, A. M. (2017). Socio-demographic determinants of marital satisfaction in Jimma Zone, Southwest Ethiopia. *International Journal of Sociology and Anthropology*, 9(10), 131-142.
- Beck, A. T., & Steer, R. A. (1978). Beck Anxiety Checklist Manual. Center for Cognitive Therapy, Department of Psychiatry, University of Pennsylvania Medical Center, Philadelphia, PA.
- Beck, A. T., Steer, R. A., & Epstein, N. (1992). Self-Concept dimensions OF clinically depressed and anxious outpatients. *Journal of Clinical Psychology*, 48(4), 423-432.
- Beck, R. A. (2015). Shame, relational aggression, and sexual satisfaction: A longitudinal study. Master thesis. Retrieved from Brigham Young University Scholars Archive.
- Birditt, K. S., Wan, W. H., Orbuch, T. L., & Antonucci, T. C. (2017). The Development of Marital Tension: Implications for Divorce among Married Couples. *Developmental Psychology*, 53(10), 1995-2006.
- Black, R. S., Curran, D., & Dyer, K. F. (2013). The impact of shame on the therapeutic alliance and intimate relationships. *Journal of clinical psychology*, 69(6), 646-654.
- Budiarto, Y., & Helmi, A. F. (2021). Shame and self-esteem: A meta-analysis. *Europe's Journal of Psychology*, 17(2), 131-145.
- Clark, N. (2017). The etiology and phenomenology of sexual shame: A grounded theory study (Doctoral dissertation, Seattle Pacific University).
- Crocker, P. R., Brune, S. M., Kowalski, K. C., Mack, D. E., Wilson, P. M., & Sabiston, C. M. (2014). Body-related state shame and guilt in women: Do causal attributions mediate the influence of physical self-concept and shame and guilt proneness. *Body Image*, 11(1), 19-26.
- Dobrowolska, M., Groyecka-Bernard, A., Sorokowski, P., Randall, A. K., Hilpert, P., Ahmadi, K., & Sorokowska, A. (2020). Global perspective on marital satisfaction. *Sustainability*, 12(21), 8817

- Elison, J., Lennon, R., & Pulos, S. (2006). Investigating the compass of shame: The development of the Compass of Shame Scale. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 34(3), 221-238.
- Epstein, N. B., & Falconier, M. K. (2011). Shame in couple therapy: Helping to heal the intimacy bond. In R. L. Dearing & J. P. Tangney (Eds.), *Shame in the therapy hour* (pp. 167-193).
- Garofalo, C. (2015). Emozionalità negativa Ed autostima in UN campione di offender detenuti: Uno studio preliminare. *Giornale italiano di psicologia*, 42(1-2), 363-0.
- Gilchrist, J. D., Solomon-Krakus, S., Pila, E., Crocker, P., & Sabiston, C. M. (2020). Associations between Physical Self-Concept and Anticipated Guilt and Shame: The Moderating Role of Gender. *Sex Roles*, 83(12), 763-772.
- Gruber, D., Hansen, L., Soaper, K., & Kivisto, A.J. (2014). The role of shame in general, intimate, and sexual violence perpetration. *Psychology of Shame: New Research*, 39-62.
- Homaei, R., Bozorgi, Z. D., Ghahfarokhi, M. S. M., & Hosseinpour, S. (2016). Relationship between Optimism, Religiosity and Self-Esteem with Marital Satisfaction and Life Satisfaction. *International Education Studies*, 9(6), 53-61.
- Hundt, N. E., & Holohan, D. R. (2012). The role of shame in distinguishing perpetrators of intimate partner violence in US veterans. *Journal of Traumatic Stress*, 25(2), 191-197.
- Jong, C. (2005). *Shame And Guilt Among Asian Americans*. Argosy University, Honolulu, Hawaii.
- Lewis, H. B. (1971). Shame and guilt in neurosis. *Psychoanalytic review*, 58(3), 419-438.
- Lodi-Smith, J., & DeMarree, K. G. (Eds.). (2018). *Self-concept clarity: Perspectives on assessment, research, and applications*. Springer.
- Marcinechová, D., & Záhorecová, L. (2020). Sexual satisfaction, Sexual attitudes, and Shame in Relation to Religiosity. *Sexuality & Culture*, 24(6), 1913-1928.
- McArthur, G. M., Filardi, N., Francis, D. A., Boyes, M. E., & Badcock, N. A. (2020). Self-concept in poor readers: a systematic review and meta-analysis. *PeerJ*, 8, e8772.
- McDonnell, G. (2017). *Exploring the relationship between Shame Memories, Self-Concept and Wellbeing* (Doctoral dissertation, University of East London).
- McIntyre, K. P., Mattingly, B. A., & Lewandowski, G. W. (2017). Self-concept clarity and romantic relationships. *Self-Concept Clarity*, 107-124.
- McLean, L. L., La Guardia, A. C., Watts, R. E., & Nelson, J. (2020). The Role of Body Shame in Sexual, Relationship, and Life Satisfaction in Women. *Journal of Professional Counseling: Practice, Theory & Research*, 47(1), 32-44.
- Nwachukwu, K., & Otta, F. E. (2020). Locus of Control and Self-Concept as Correlates of Marital Stability among Married Adults in Rivers State. *Journal of Research & Method in Education*, 10(2), 53-60.
- Parise, M., Pagani, A. F., Donato, S., & Sedikides, C. (2019). Self-concept clarity and relationship satisfaction at the dyadic level. *Personal Relationships*, 26(1), 54-72.
- Porter, A. C., Zerkowitz, R. L., Gist, D. C., & Cole, D. A. (2019). Self-evaluation and depressive symptoms: A latent variable analysis of self-esteem, shame-proneness, and self-criticism. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 41(2), 257-270.
- Sahin, N., Basim, H. N., & Cetin, F. (2009). Kisilerarası catısma cozme yaklasimlarında kendilik algısı ve kontrol odagi [Locus of Control and Self-Concept in Interpersonal Conflict Resolution Approaches]. *Turk Psikiyatri Dergisi*, 20, 153-163.
- Stuewig, J., Tangney, J. P., Kendall, S., Folk, J. B., Meyer, C. R., & Dearing, R. L. (2015). Children's proneness to shame and guilt predict risky and illegal behaviors in young adulthood. *Child Psychiatry & Human Development*, 46(2), 217-227.

- Tangney, J. P., Dearing, R. L., Wagner, P. E., & Gramzow, R. (2000). The test of self-conscious affect-3 (TOSCA-3). Fairfax, VA: George Mason University. Unpublished manuscript.
- Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2003). Shame and guilt. Guilford Press.
- Torres, L. H., Mohand, L. M., & Espinosa, S. C. (2021). Psychological well-being, self-concept, and couple relations in university students. In *Research Anthology on Rehabilitation Practices and Therapy* (pp. 1315-1336). IGI Global.
- Velotti, P., Garofalo, C., Bottazzi, F., & Caretti, V. (2017). Faces of shame: Implications for self-esteem, emotion regulation, aggression, and well-being. *The Journal of Psychology*, 151(2), 171-184.
- Woodward, K., McIlwain, D., & Mond, J. (2019). Feelings about the self and body in eating disturbances: The role of internalized shame, self-esteem, externalized self-perceptions, and body shame. *Self and Identity*, 18(2), 159-182.
- Zuroff, D. C., & Duncan, N. (1999). Self-criticism and conflict resolution in romantic couples. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 31(3), 137.

